

سپاستان می‌گویم،
سپاستان می‌گویم،
دلبرم از پای درآمد.
اینک می‌توانید
بر مزار این شهید
جامی بنوشید.

□

بلقیس
زیباترین شاه بانوی تاریخ بابل بود
بلقیس
رعنا ترین نخل عراق،
وقتی راه می‌رفت
طاووسها همراه او
و آهوان در پی.

بلقیس

.....

ای نینوای سبز
کولی طلایی رنگ من
ای که موجهای دجله
بهاران

زیباترین خلخال‌ها را ارمغان تو می‌کرد
بلقیس!
تو را از پا در آوردند.

این کدامین امت عرب است

که صدای قناری را از پا می‌اندازد؟

...

تنفس در دامنه‌های هوشربای شعر نزار قبانی -
نامدارترین عاشقانه‌سرای جهان عرب - را وامدار
بزرگانی هستیم چون:

۱- استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی که
نخستین دستاوردهای ارجومند در این زمینه را در

سالهای ۷-۱۳۳۶ در مجله سخن به ایرانیان هدیه کرد
و بخشی از اشعار وی را به فارسی برگرداند؛^۱

۲- محمداقبر معین که مجموعه «خشم
خوشه‌ها» - حاوی یک شعر بلند نزار - را به سال ۱۳۵۴
ترجمه کرد. (انتشارات آگاه)؛

۳- فرامرز حسنی که سه شعر او را در سالهای
۵-۱۳۵۴ در روزنامه کیهان به فارسی برگرداند.^۲

۴- دکتر غلامحسین یوسفی به همراه دکتر یوسف
حسین بکار که با ترجمه «داستان من و شعر» فصل
تازه‌ای در این عرصه گشودند و شعر دوستان ایرانی را
بیش از پیش با قبانی آشنا کردند.^۳ (۱۳۵۶)؛

۵- عبدالحسین فرزاد کتابی به نام «شعر، زن،
انقلاب» را که حاوی مصاحبه‌ای با نزار بود به فارسی
برگرداند؛

۶- دکتر شفیعی کدکنی با انتشار کتاب ارزشمند
«شعر معاصر عرب» و اختصاص بخشی از آن به نزار با
عنوان «عاشقانه‌سرایی بی‌همتا»^۴ (۱۳۵۹)؛

۷- دکتر سیدحسن حسینی که در سالهای
۲-۱۳۶۱ در پاورقی روزنامه جمهوری اسلامی و سپس
در جنگ شماره ۸ سوره به شعر و اندیشه نزار پرداخت
(۱۳۶۳) و در مجله «گنجشکها و یزانی‌کیرند» را
بازخوانی کرد. کتابی که حاوی سخنرانیهای شگفت و
تأثیرگذار نزار پیش از شعرخوانیهای او در محافل
گوناگون است؛^۵

۸- احمدپوری که گزیده‌ای از اشعار عاشقانه نزار را
با عنوان «در بندر آبی چشمانت» از انگلیسی به فارسی
ترجمه کرده است؛^۶

۹- ترجمه‌های پراکنده‌ای که در جریان این سالها از
شعر نزار صورت گرفته است.

و اینک موسی بیدج، مترجم کوشا و نام آشنای
همروزگار، یاسهایی پراکنده از باغچه‌های مصفای نزار
چیده و برای اهالی دنیای شعر به ارمغان آورده است.

بیدج را کلبه‌ای است با سه دریچه رو به کرانه‌های
زندگی بخش فرهنگهای فارسی، کردی و عربی و از هر
سه عرصه در حد توان و فرصت خویش بهره‌ها جسته

است. سفرهای قراوان به کشورهای عربی، نوشتن و
سرودن به زبان عربی و انتشار این اشعار و نوشتار در
مجله‌های لبنان و سوریه، وی را به گونه‌ای جدی و
پیاپی در گستره کرامند ادبیات معاصر عرب قرار داده
است. خود نیز از بن‌مایه‌های ذوق شعری برخوردار است
و این امر یاری شایانی بدو کرده است تا شعر را شاعرانه
گزارش کند. بیدج کار ترجمه را از سال ۱۳۶۰ به گونه‌ای
حرفه‌ای آغازیده و علاوه بر ترجمه‌های پراکنده‌اش در
روزنامه‌ها و مجلات گونه‌گون ما می‌توان بدین آثار او
اشاره کرد: - تالیف «آسمان زعفرانی» (مجموعه
داستان)؛

و ترجمه:

- گرسنگی و کلمه (پنج نمایشنامه)؛

- نگاهی به ادبیات صهیونیسم (غسان کنفانی -

پژوهشگر فلسطینی)؛

- شادی حرفه من نیست (شعرهای

محمدالماعوط، شاعر روسی)؛

- آنتولوژی شعر فلسطین (هشت کتاب).

مجموعه‌های دیگری نیز زیر چاپ و یا آماده چاپ
دارد که امیدواریم بزودی به سامان بایسته‌ای برسد. و
اما «بلقیس و عاشقانه‌های دیگر» نخستین گزیده از
اشعار عاشقانه نزار است که از حدود بیست کتاب او
گزینش و مستقیماً از عربی به فارسی ترجمه شده است.
کتاب شامل پیشگفتاری نه صفحه‌ای با عنوان
درنگی بر زندگی شاعر، مصاحبه‌ای با نزار (۲۸ صفحه) و
پانزده قطعه شعر اوست.

در بخش درنگی بر زندگی شاعر، سانشمار کوتاهی
از زندگی و آثار نزار ترتیب یافته که از خلال آن می‌توان
دانست:

«نزار قبانی (۱۹۲۳ م / ۱۹۹۸ م) - نامدارترین
عاشقانه سرای عرب - را با القابی می‌شناسیم چون:
شاعر عشق، شاعر زن، شاعر طبقه مخمل‌پوش،
شاعر تاجر، شاعر ملعون، شاعر شکست و نومیدی،
شاعر هجو سیاسی، شاعر غزل‌های حسی و...
پنجاه کتاب به چاپ رسانده است از جمله:

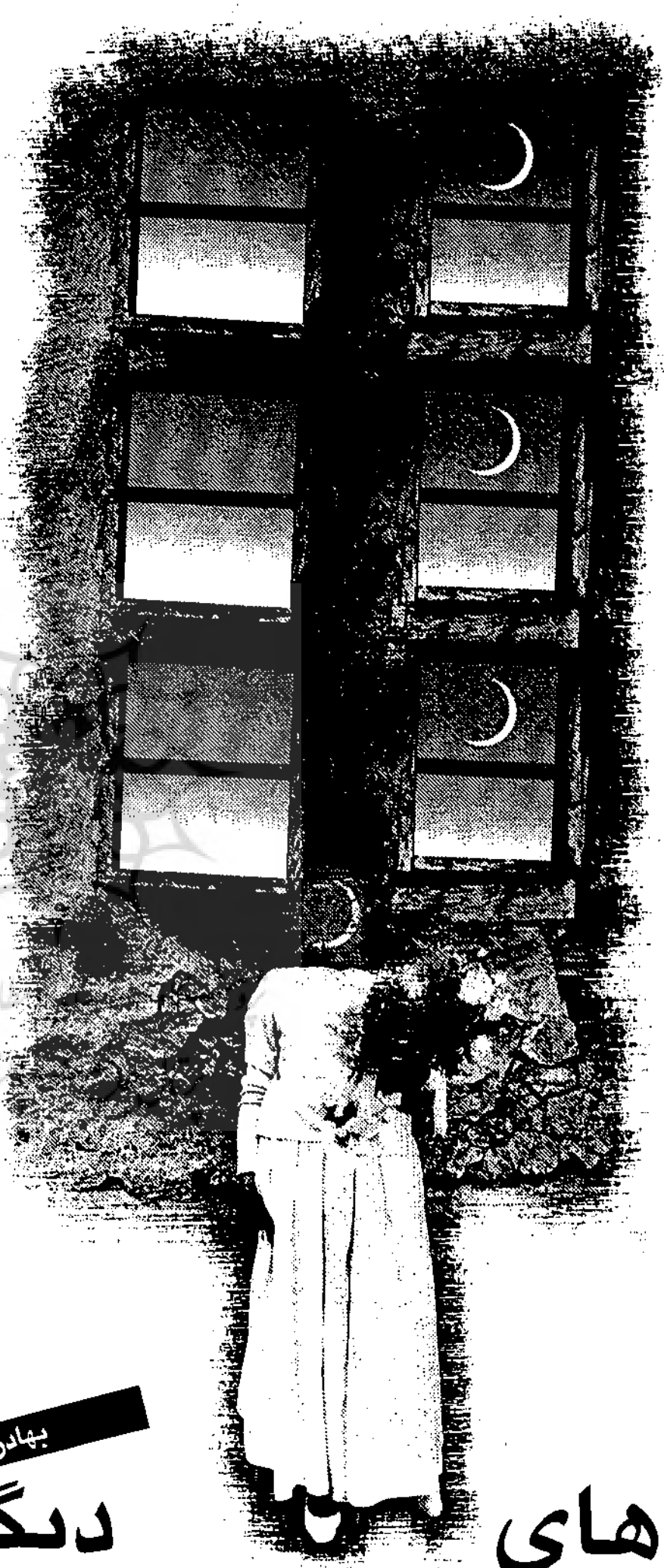
بلقیس و عاشقانه

پرتال جامع علوم انسانی

زن سبزه‌رو به من گفت، کودکی سینه، تو از آن منی، شعرها، محبوب من، نقاشی با کلمات، حاشیه‌ای بر دفتر شکست، یادداشتهای روزانه زنی لایبالی، شعرهای وحشی، کتاب عشق، سروده‌های ژوئن، با تو وصلت کرده‌ام ای آزادی، جمهوری در انوبوس، تریولوژی کودکان سنگ‌انداز، شعر چراغی سبز است، اندکی نثر و...

پس از فراغت از تحصیل در رشته حقوق به استخدام وزارت خارجه سوریه درآمده و در سفارتخانه‌های این کشور در چندین پایتخت به خدمت پرداخته است. سیر تحول در شعرهای او از غزل با موضوعی جسمانی به غزل با موضوعی اجتماعی رخ نمایانده است و این امر او را به عنوان مدافع سرسخت حقوق زنان در جامعه عرب شناسانده است. سرانجام سیاست را رها کرده و رحل اقامت در بیروت افکنده است. شکست اعراب از اسرائیل و آغاز جنگهای داخلی لبنان دستمایه مضامینی بکر و ماندگار برای شعر وی شده است. نزار در سالهای نخست دهه هشتاد میلادی با حادثه‌ای دردناک روبرو شده. او بلیس، همسر عراقی تبار خود را در انفجار سفارتخانه عراق در بیروت از دست داده و شرح این هجران و این خون جگر را خوش در غماخشم خویش گریسته است. قبانی کوشیده است تا راه سومی در زبان عربی ایجاد کند و شکاف میان زبان ایستای کهن و زبان پویای تازه نفس امروز را اندکی پر نماید. وی در باب ترجمه معتقد است: «ترجمه شعر از زبانی به زبان دیگر یک ماجراجویی سرشار از خطر است، چرا که هر زبانی راز و رمز و شخصیت و حساسیت ویژه خود را دارد. برای اینکه این ماجراجویی با موفقیت همراه باشد، حتماً باید کسی که دست به ترجمه می‌زند خود، شاعر باشد.»^۷

اهمیت این جمله نزار وقتی بیشتر شناخته می‌شود که به ترجمه‌های دکتر شفیعی یا شاملو نظر می‌افکنیم. موسی بیدج نیز تنها با عصای فرهنگهای دوزبانه پای در وادی طوای ترجمه نمی‌نهد. زبان عربی را نیک زیسته است و اندک آشنایی با شعر نزار نشان می‌دهد



بهدر باقری

های دیگر

که مترجم بخوبی توانسته است موسیقی، حس و حال و هوا و رنگ و بوی شعر نزار را به فارسی گسیل دارد. وی در پایان پیشگفتار خویش افزوده است:

«شعرهای قبانی به دلایل مختلف، دشوار تن به ترجمه می‌دهند: بر این اساس برای حفظ شعریت این سروده‌ها و نزدیک‌سازی آن به فرم شعر سپید رایج در ایران، تلاش فراوانی صورت گرفته است و البته این تلاش در جهت حذف زوائد و شوائب بوده و هیچگاه معنایی از شاعر مخدوش نشده و یا بر زبان او نهاده نشده است. کزینش چند شعر از میان صدها سروده این شاعر نیز کنار آسانی نیست و آنچه عرضه شده: نمی‌تواند شناسنامه این شاعر شهیر و پنجاه سال شاعری او باشد.» (ص ۱۴)

منظور مترجم از «شوائب»، آن بخش از اشعار نزار است که در کنکاش و بازآفرینی احساسات آتشین خویش، به فراسوی مرزهای اخلاق و عرف سرک کشیده است، زیبا و خواندنی است اما... «زوائد»ی نیز که مترجم بدان اشارت کرده، این واقعیت است که شعر نزار، اطنابی ویژه دارد که با تکرارهای پیاپی، در حوزهٔ زبانی و معنایی عربی، پذیرفتنی و عادی می‌نماید اما اگر بر آن باشیم که ترجمه‌های التعلیل و التعلل و واژه به واژه از آن ترتیب دهیم، ای بسا خوانندهٔ ایرانی را ملال افزایش دهد و در کسای انشایی دراز دامن یا تاکیداتی نابجا درآید.

و در این عقبه‌هاست که مترجم با شگردی شاعرانه و امین و با پاسداشت پایه‌های زبان اصلی، مخاطب زبان دوم را در نظر می‌گیرد و ترجمه خویش را در خور حال و هوای زبانی او سامان می‌دهد. بیدج، سادگی، عاطفه و آهنگ شعر نزار را بخوبی دریافته و در گزینش

واژه‌ها و چینش قافیه‌ها به گونه‌ای کار کرده است که ترجمه خود، آهنگین و شاعرانه شده است:

وقتی که تو را دوست می‌دارم / ماه از من طلوع می‌کند / و تابستانی زاده می‌شود / گنجشگان مهاجر باز می‌آیند / و چشمه‌ها سرشار می‌شوند / وقتی به قهوه‌خانه می‌روم / دوستانم / گمان می‌کنند که بوستانم! (ص ۵۵)

گیسوئی را نقش زدم / آشوبگر ورها / سینه‌هایی را / تندخو / صلح‌جو / خوشخو / و خرسند / آنگاه خالها را / پاشیدم / و وقتی قلم مو را / پایین کشیدم / خونم / جاری شده بود. (ص ۷۴)

بخش دوم کتاب با عنوان «شعر، معطر، سرمه کشیده و خوش پوش می‌آید» ترجمهٔ مصاحبه‌ای است که احمد فرحات، شاعر و منتقد عرب با نزار قبانی انجام داده و از مجلهٔ الکفاح العربی چاپ بیروت نقل شده است.

راستی را افسون کلام نزار حتی در سخنان عادی او نیز هویداست و چونان جاودانیاذ اخوان ثالث، سخن و نثرش نیز به شعر پهلو می‌زند. در این مصاحبه، موضوعاتی از این دست به میان آمده و نزار با بیانی روشن، هنرمندانه و قاطع بدانها پاسخ داده است:

شعر معاصر عرب و تعامل آن با مدرنیته، شعر و جامعه، نوآوری اصیل و غیراصیل، شعر آرمانگرا، زن، فرهنگ، مقاومت لبنان و عشق نزار به بیروت، ترجمه، نظر او دربارهٔ برخی از شاعران معاصر عرب چون: بدر شاکر السیاب، یوسف الخال، ادونیس، انسی الحاج و... یادکرد بخشی از گفتگوی او خالی از لطف نیست:

«روند مدرنیسم در شعر عرب، شتاب فراوانی گرفته

است و بدون بهره‌گیری از گودهای شیمیایی و پناه بردن به لقاح مصنوعی پرورش یافته. من طبیعتاً به تولد طبیعی مایل هستم و با سزارین‌های شعری مخالفم. بهار نه ماه تمام، در آزمایشگاه زیرزمینی و میان لوله‌ها و شیشه‌های رنگارنگ آزمایشگاه باقی می‌ماند تا یک گل کوچک بیافریند، چرا ما یکی - دو سال صبر نکنیم تا یک شعر زیبا پدید آوریم؟» (ص ۲۱)

ای کاش مترجم محترم، نشانی اشعاری را که از خلال چندین کتاب برگزیده، ارائه کرده بود. در پایان برای ایشان آرزوی بهروزی و نیک فرجامی و آفرینش کارهای تر و بهتر داریم.

یادداشتها:

- ۱- رک: داستان من و شعر، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی - بکار (مقدمه)
- ۲- همان
- ۳- قبانی، نزار: جمهوری در آئوبوس: ترجمه حسن قوام‌زوی، تهران: انتشارات فرخی، ۱۰۰ ص: بی تا: ۱۰۰ ص
- ۴- قبانی، نزار: داستان من و شعر: ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی - دکتر یوسف حسین بکار، تهران: توس: ۱۳۵۶: ۲۱۶ ص
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا: شعر معاصر عرب: تهران: توس: ۱۳۵۹: ۲۱۳ ص
- ۶- حسینی، سیدحسن: سوره: جنگ ۸ ص: ۳۷: بهمن ۱۳۴۳
- ۷- شیباب: ش: ۵: س: ۱۳۷۶ - تیر و مرداد
- ۸- قبانی، نزار: در بندر آبی چشمانت: ترجمه احمدپوری، تهران: نشر چشمه: ۱۳۷۷: ۱۰۱ ص
- ۹- قبانی، نزار: بلقیس و عاشقانه‌های دیگر: ترجمه موسی بیدج: ص: ۴۸